

## آیین دادرسی افتراقی در بزه پولشویی با رویکرد امنیت‌گرایی

محمد شهریاری<sup>۱</sup>، محمد رضا شادمانفر\*<sup>۲</sup>، علی حیدری<sup>۳</sup>، علی یوسف زاده<sup>۴</sup>

### چکیده

بررسی مسئله امنیت‌گرایی و توسعه آن در سیاست جنایی، با محوریت بزهداران یقه سفید خصوصاً در شکل سازمان‌یافته آن و نیز مطالعه موارد محدودسازی تضمینات دادرسی عادلانه در پرتو امنیت‌گرایی - نظیر جابه‌جایی بار اثبات دلیل - موجب شد قانونگذاران کشورهای مختلف اقدام به عدول از اصول دادرسی منصفانه در بزه پولشویی نمایند که در برخی از کشورها منجر به تصویب آیین دادرسی افتراقی در این خصوص گردید. مبنای این عدول امنیت‌گرایی می‌باشد که ریشه در مکتب ریسک مدار دارد. نیاز حکومت‌ها به امنیت در قبال جرایم سازمان‌یافته و فراملی و مجرمان خطرناک حوزه اقتصاد کلان - گرچه در بدو امر با اصل برائت و آزادی و کرامت انسانی در تضاد بود - منجر به عدول از برخی از قواعد دادرسی عادلانه گردید و برخی از تضمینات این دادرسی با محدودیت مواجه گردید.

در این مجال در صدد بیان مبانی آیین رسیدگی افتراقی و نحوه تحصیل دلیل در بزه پولشویی از رهگذر بررسی ادله اثبات و شیوه‌های خاص تحقیقات در کشف آن هستیم. حاکمیت اصل برائت نیز در این موضوع به چالش کشیده شده و علیرغم حاکمیت آن در حقوق کیفری، در مواردی که متهم، درآمدها و سرمایه‌های مشکوکی را به دست آورده، به ظاهر حال نیز توجه کرده و در تعارض اصل و ظاهر، ظاهر را به سبب غیرعادی بودن روش تحصیل مال و ظن قوی به تحصیل اموال از طریق نامشروع، مقدم داشته و با تقدم اماره مجرمیت بر اصل برائت، از متهم تقاضای ارائه دلیل مشروع بودن سرمایه‌های مذکور را نماییم.

**واژگان کلیدی:** تضمینات دادرسی عادلانه، تحدیدات دادرسی عادلانه، دادرسی افتراقی، ادله اثبات، پولشویی، امنیت‌گرایی، ریسک.

۱. دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

۲. استادیار گروه حقوق، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران. Mrsh42@gmail.com

۳. استادیار گروه حقوق، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

۴. استادیار گروه حقوق، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

## مقدمه

رویکرد اصلاح و درمان برای مدت‌زمانی اندیشه غالب دستگاه عدالت کیفری بوده است. نگاه به مجرم براساس بازگشت مجدد وی به جامعه، مبنای تعیین واکنش دستگاه عدالت کیفری بوده است. دیری نپایید که این اندیشه افول نمود، احساس امنیت از جمله مواردی بود که برای دولتمردان مهم می‌باشد. احساس امنیت (Sense of Security) با وجود امنیت (Existence of security) متفاوت است. ارتکاب برخی جرایم مهم تحت تأثیر رسانه موجب احساس ناامنی در جامعه می‌شود در اینجاست که مضمون حالت خطرناک (Dangerous Theme) با مفهوم جدیدی ظهور و بروز پیدا می‌کند و به مجرم خطرناک (Dangerous culpable) تغییر نام می‌یابد که شامل برچسب‌هایی نظیر توده‌ای شرور، طفیلی‌ها، تروریست‌ها، پول‌شویان و اراذل و اوباش و غیره می‌شود که موجب تغییر نگرش در اندیشه دولت‌ها و جرم‌شناسان گردید، که همان رویکرد ریسک‌مدار (Risk Orientation Approach) نام دارد. زمینه‌های افول اندیشه اصلاح و درمان و شکل‌گیری اندیشه ریسک‌مدار را می‌توان در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، تحولات سیاسی، عوام‌گرایی، معضلات زندان و دلایل جرم‌شناسی جستجو نمود، به‌ویژه بعد از حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۱۱ در امریکا این اندیشه در دولت‌های غیر اقتدارگر رسوخ بیشتری نمود. در هر صورت لزوم امنیت‌گرایی، بسترها و زمینه‌های تحدید دادرسی عادلانه، در مورد مجرمان خطرناک را فراهم آورد و کشورهای غیر اقتدارگر و سیاستگذاران جنایی آن را به فکر تغییر قوانین در این خصوص واداشت (شاملو و مرادی، ۱۳۹۲: ۱). به عبارت دیگر تحدید تضمینات دادرسی، ایده سیاستگذاران جنایی در برخورد با مفهوم مجرم خطرناک در آستانه‌ی ظهور رویکرد ریسک‌مدار بود.

پیشرفت فناوری، ضمن آنکه رفاه مادی را برای انسان به ارمغان آورده است مشکلاتی را نیز برای پلیس و تشکیلات کیفری از نظر کشف جرم ایجاد کرده است. به موازات ترقی و پیشرفت پلیس در بهبود شیوه‌های کشف جرم، متخلفان نیز برای پیچیده ساختن کشف آن تلاش می‌کنند و حتی می‌توان گفت که بزه‌کاران، بسیار پیشروتر از پلیس عمل می‌نمایند. از این رو، قانونگذار برای حمایت از مقامات پلیس و تعقیب‌کننده جرم و در مقام رفع نقطه‌ضعف پلیس، به کمک آنان می‌آید و بنا به تعبیری، با معکوس نمودن بار اثبات دلیل از طریق تقدم اماره مجرمیت و سایر اقدامات متهمان را در موضع ضعف قرار می‌دهد. بدین معنا که با تقدم اماره مجرمیت بر اصل براءت، بار اثبات دلیل را بر دوش متهم گذاشته و از او ادله بر بیگناهی مطالبه می‌گردد.

مهمترین جلوه‌های آیین دادرسی افتراقی در جرایم علیه امنیت در مرحله تحقیقاتی و محاکماتی می‌توان به عدم نرمش مقامات تعقیب، توسعه بازداشت‌های موقت، محدودسازی حقوق دفاعی متهمان، ایجاد محاکم ویژه و اختصاصی و سختگیری کیفری قضات نام برد.

گرچه با تصویب کنوانسیون ۱۹۸۸ وین و الحاق کشور ما به این کنوانسیون و سپس تصویب قانون مبارزه با پولشویی در سال ۱۳۸۶ و اصلاحیه‌های آن مصوب سال ۱۳۹۷، کتب و مقالات متعددی در خصوص مبارزه با بزه پولشویی در حقوق ایران و اسناد بین‌المللی به رشته تحریر در آمده است اما کلیشه‌ای بودن اکثر کتب و مقالات و عدم ارائه یافته‌های جدید از یک سو و عدم پرداختن به وضعیت دادرسی در پولشویی و تحدید اصول مسلم دادرسی در این بزه از سوی دیگر، ملموس و مشهود است.

در این نوشتار بر آن هستیم که بررسی کنیم آیا در جرائم حوزه اقتصاد کلان مشخصاً پولشویی که در حال حاضر مهمترین تهدید اقتصادی کشور است آیا نیاز به امنیت‌گرایی وجود دارد؟ اگر پاسخ مثبت است چه مؤلفه‌هایی از آن باید مدنظر قرار گیرد و چه تحدیداتی در آیین دادرسی این بزه اعمال شود. بر این اساس نیازمند به یک قانون دادرسی افتراقی برای رسیدگی به این بزه هستیم که با ایجاد محدودیت‌هایی در حقوق متهم در پرتو امنیت‌گرایی بتواند هم در پیشگیری از وقوع این بزه مؤثر واقع شود و هم در رسیدگی به آن به ویژه در خصوص ادله اثبات، بتوانیم در سریعترین زمان ممکن بزه را کشف و مجرم را مجازات و اعاده به وضع سابق نماییم. این پژوهش به روش کتابخانه‌ای و فیش‌برداری می‌باشد و گردآوری داده‌ها از طریق مطالعه حقوق ایران و اسناد بین‌المللی صورت گرفته است.

## ۱. چرایی و ضرورت افتراقی سازی آیین دادرسی کیفری

اصطلاح افتراقی شدن آیین دادرسی به این امر اشاره دارد که در برخی جرایم مهم مثل پولشویی، روند تحصیل دلیل برای «اثبات مجرمیت از سوی دادستان» به کلی تغییر یافته است و اثبات آن متوجه متهم می‌شود و اوست که باید بیگناهی خود را به اثبات رساند. از این رو، در اینگونه جرایم بسیار محدود و استثنایی و در عین حال رو به رشد، نحوه تحصیل دلیل با اصول و قواعد حاکم بر آن متفاوت است و کسی که باید برای اثبات بیگناهی دلیل بیاورد، متهم است نه اینکه دادستان جهت اثبات مجرمیت متهم، به تحصیل و ارائه دلیل بپردازد. در واقع به واسطه وجود پاره‌ای

تفاوت‌ها در این قبیل جرایم و مرتکبین آن‌ها - یعنی یقه‌سفیدها - مسئله افتراقی شدن رسیدگی به این جرایم مطرح شده است.

سازمان‌ها و گروه‌های بزهکار به علت دستیابی آسان به اکثر نقاط دنیا طیف وسیعی از جرایم را انجام می‌دهند که پولشویی نیز یکی از عمده فعالیت این سازمان‌ها می‌باشد. در عصر حاضر که با استفاده از فناوری جدید عملاً مرزها از بین رفته‌اند، ارسال اطلاعات در سرتاسر جهان بدون هیچگونه تعللی صورت می‌پذیرد.

جامعه بین‌المللی گرچه دیر هنگام به این امر توجه کرد ولی روند تحولات در این زمینه به سرعت صورت پذیرفته است که کنوانسیون‌های بین‌المللی گویای این موضوع می‌باشند. همین ابعاد فراملی و سازمان‌یافتگی پولشویی و اثرات نامطلوب آن بر کلیت جامعه و نحوه عملکرد پولشویان که منابع ناشی از جرم طی فرآیندی مخفی می‌شد کشورها را بر آن داشت که واکنش سختتری با اینگونه مجرمان داشته باشند و در برخی از موارد از قواعدی عدول کنند. از بعد بین‌المللی نیز کنوانسیون‌ها در این خصوص توصیه‌هایی به کشورها نمودند و کشورهای مختلف نیز با الهام از این کنوانسیون‌ها در قوانین خود تغییراتی به وجود آوردند.

حقوق کیفری، گاه در نقش ابزاری برای تأمین امنیت ظاهر می‌شود. استفاده‌ی ابزارگونه از حقوق کیفری برای برقراری امنیت، بیشتر خود را در مقابله با جرایم ضد امنیت داخلی و خارجی کشور نشان می‌دهد. بدین جهت با بررسی قوانین و مقررات کیفری در هر کشور و بررسی فصل مربوط به جرایم علیه امنیت (داخلی و خارجی) ما را به تفاوت‌ها در نوع نگاه و شیوه‌ی جرم‌انگاری و تعیین کیفر برای جرایم علیه امنیت، در مقایسه با سایر جرایم رهنمون می‌کند. این موضوع را می‌توان از دو زاویه بررسی کرد؛ یکی دخالت سیاست در قانونگذاری کیفری که به معنای نفوذ قوه‌ی مجریه یا صاحب منصبان سیاسی، در قوه‌ی قانونگذاری است. این عامل موجب حاکمیت رویکرد امنیت‌گرا شده و سبب می‌شود تا قوانین کیفری پیش‌بینی شده از استواری و مشروعیت اجتماعی بایسته برخوردار نشوند. دوم؛ پیش‌بینی جرم‌های گوناگون و کیفرهای سنگین در لوای برقراری نظم و تأمین امنیت، که این نیز با ویژگی نخست بی‌ارتباط نیست. در اینجا ویژگی جرایم و مجازات‌ها از ویژگی شناخته شده برای سایر جرایم فراتر می‌رود. در هر جامعه‌ای جرایم علیه امنیت ویژگی‌هایی دارند که با سایر جرایم تفاوت دارد، مانند: مطلق بودن جرم، مبهم و موسع بودن واژگان و تعاریف، جرم‌انگاری پیش‌زمینه‌ها، تهیه‌ی مقدمات جرم و ارتکاب اعمال مقدماتی، افزایش مصداق‌های رفتاری جرم، اعمال ضابطه‌ی عینی به جای ضابطه‌ی ذهنی در

احراز رکن روانی جرم. هرچند این ویژگی‌ها دارای ایراداتی هستند، ولی به دلیل الزامات امنیت داخلی و خارجی و اهمیت تأمین امنیت، تا حدودی مورد پذیرش عمومی قرار گرفته‌اند. البته این مقررات در صورتی پذیرفتنی است که اعمال آن‌ها با رعایت حقوق دفاعی متهمان و مظنونان به ارتکاب جرایم علیه امنیت و در یک دادگاه مستقل، بی‌طرف و واجد صلاحیت قانونی انجام شود. در غیر این صورت، نگاه امنیتی به مقررات آیین دادرسی کیفری، یا قانون را با سیاست مزج می‌کند یا سیاست دولت را جانشین قانون می‌نماید و گُنش‌ها و اقدام‌های اجرایی و موقتی را بر اصول شناخته شده و حاکم بر دادرسی کیفری برتری می‌دهد. در چنین شرایطی، امنیت به مفهوم امنیت حاکمیت تعبیر می‌شود که با امنیت اتباع دولت و شهروندان متفاوت است. روشن است در صورت تعارض امنیت با حقوق و آزادی‌های فردی، این حقوق و آزادی‌های فردی هستند که نادیده انگاشته می‌شود. در این صورت، چنین برداشتی حاکمیت رویکرد امنیت‌گرا بر مقررات دادرسی کیفری را به دنبال خواهد داشت؛ در حالی که رعایت موازین دادرسی منصفانه در فرآیند دادرسی کیفری از حقوق غیر قابل نقض متهم محسوب می‌شوند. همواره لازم است به دنبال تعادل میان مصالح جامعه به‌عنوان متضرر از جرم و حقوق متهم به‌عنوان مظنون به ارتکاب جرم، با تأکید بر تساوی سلاح‌ها گام برداشت.

## ۲. نحوه تحصیل ادله اثبات و کشف بزه پولشویی

با توجه به مباحث مطروحه برای روشن شدن موقعیت و اهمیت جرم پولشویی به‌عنوان یک جنایت سازمان‌یافته، کافی است توجه کنیم که نظر به اهمیت پولشویی در ارتکاب سایر جنایات سازمان یافته فراملی، معاهده‌ای که در دسامبر ۲۰۰۰ برای امضاء در شهر پالرمو ایتالیا مفتوح شد و به کنوانسیون پالرمو موسوم شد، پولشویی یا تطهیر پول به‌عنوان یکی از مهمترین جنایات سازمان یافته فراملی بیان شده است. سه عنوان جزایی یعنی تطهیر پول، فساد مالی و اخلال در روند اجرای عدالت در مواد ۶، ۸ و ۲۳ احصاء شده است.

در برخورد با پولشویی زمانی موفق خواهیم بود که به وصف گروهی و سازمان آن توجه داشته باشیم و روش‌هایی را که در مبارزه با جنایات سازمان یافته به کار می‌روند، در این زمینه استفاده کنیم. همچنین به شیوه‌های خاص کشف و اثبات جرم پولشویی هم باید توجه شود.

با عنایت به فراملی بودن بزه پولشویی و سازمان‌یافتگی آن و اینکه جرم مذکور اغلب توسط یقه‌سفیدان صورت می‌پذیرد و مضافاً اثرات سویی که بر ساختار اقتصاد، سیاست و فرهنگ جامعه

می‌گذارد، باید طریق تحصیل دلیل در این جرم به صورت افتراقی باشد. در آیین دادرسی کیفری در بحث تحصیل دلیل به صورت عام مواردی بیان شده است. اما با توجه به افتراقی بودن تحصیل دلیل در پولشویی باید علاوه بر قواعد عام، تحصیل دلیل به صورت افتراقی صورت پذیرد. قبل از بیان روش‌های خاص و افتراقی به بیان شیوه‌های عام تحصیل دلیل یا همان شیوه‌های متعارف تحصیل دلیل در پولشویی می‌پردازیم.

## ۲-۱. شیوه‌های متعارف

در بحث ادله اثبات دعوی که از مقررات شکلی است طیفی از ادله به صورت معمول و متعارف در کشف و اثبات عامه جرائم مورد توجه بوده که با اندک مغایرتی در تمامی مکاتب حقوقی از رویکردی واحد برخوردار است. این دسته از ادله که حقوقدانان به صورت سنتی از قدیم‌الایام بدان تمسک می‌جسته‌اند در برابر شیوه‌های نوین تحصیل ادله در حقوق کیفری تقسیم‌بندی می‌شود.

### ۲-۱-۱. اقرار

در حقوق کیفری ما جزء مهمترین دلایل اثبات، چه در امور مدنی و چه در امور کیفری محسوب می‌شود، که از آن به شاه دلیل یاد می‌شود. در حقوق قدیم زمانی که فردی اقرار به جرمی می‌کرد بی‌نیاز از سایر ادله بود و محکومیت وی قطعی بود و اهمیت اقرار از این جهت بود که جهت تحصیل آن به شکنجه متوسل می‌شدند. در حقوق امروزی به ویژه در کشور ما اقرار موضوعیت ندارد بلکه طریقی است که قاضی را به یقین و علم می‌رساند و اگر قاضی احراز کند که اقرار منطبق بر واقع نیست می‌تواند به آن ترتیب اثر ندهد. ولی در جرایم عادی کمتر اتفاق می‌افتد که شخصی اقراری خلاف واقع ابراز کند و قضات نیز کمتر خود را با این امر آشنا می‌سازند. چرا معمولاً دلیلی بر اقرار خلاف واقع وجود ندارد. در جنایات سازمان‌یافته مرتکبان شدیداً از دستورات مافوق خود اطاعت می‌کنند و تحت هر شرایطی پایبند سازمان متبوع خود هستند و در صورت نقض وفاداری، نه تنها جان خودشان به خطر می‌افتد، بلکه نزدیکان و خانواده آنان نیز از تهدیدات و تعرضات باندهای سازمان‌یافته در امان نیستند.

به همین دلیل است که بعید به نظر می‌رسد که فردی که خود عضو گروه سازمان‌یافته پولشویی است با صداقت به واقعیت اقرار نماید. در بیشتر مواقع حتی اقرار یا اظهار اعضای باندهای جنایی،

بر حسب وظیفه صورت می‌پذیرد. (باقرزاده، ۱۳۸۲: ۱۶) توضیح اینکه ممکن است تحت شرایطی یک گروه جنایی برای جلوگیری از لو رفتن فعالیت‌های گروه یا شناسایی افراد مافوق و رهبران گروه دستور اقرار به برخی از اعضای خود صادر کند تا فعالیت‌های دیگر گروه و مهره‌های کلیدی آن از شناسایی و تعقیب مسئولین اجرای قانون در امان باشند. بنابراین می‌توان ادعا کرد که اقرار در خصوص جرایم سازمان‌یافته و از جمله پولشویی کارآیی لازم را ندارد مگر این که سرنخی برای کشف جرم به خصوص جرم مقدم یا منشأ باشد و با اوضاع و احوال مسلم قضیه مطابقت داشته باشد.

## ۲-۱-۲. شهادت شهود

شهادت شهود نیز در جنایات سازمان‌یافته نمی‌تواند اعتبار نامحدودی داشته باشد. در کشورهایی که حسب نظام حقوقی ملی خود، اعتبار محدودی برای شهادت شهود قائل هستند، در این زمینه مشکل کمتری پیش می‌آید ولی در نظام حقوقی ایران، که اعتبار شهادت شهود نامحدود است این مسئله اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. گروه‌های جنایی با معرفی اعضا یا افراد تحت نفوذ گروه خود به دادگاه به عنوان شهود یا با تهدید واقعی و تحمیل نظرات خود بر آن‌ها، می‌توانند مسیر عدالت را منحرف کنند. این امر بدان معنا نیست که در کشف و اثبات جنایات سازمان‌یافته، عموماً و جرم پولشویی خصوصاً، نباید از شهادت شهود استفاده کرد بلکه باید توجه داشت که شهود ممکن است ساختگی یا تحت نفوذ باشند و براساس دستور سازمان متبوع خود شهادت دهند. بنابراین به هویت آنان باید توجه خاص شود و هرگز نباید شهادت شهود به تنهایی مستند حکم دادگاه قرار گیرد. البته در حقوق ایران و اسلام عدالت شرط اعتبار آن است و در صورت احراز بی‌عدالتی یا ذینفع بودن شاهد، شهادت وی بی‌اعتبار است. باین حال به خاطر پیچیده بودن اعمال جنایتکاران سازمان‌یافته، شناسایی شهود تحت نفوذ آن‌ها، معمولاً امر دشواری است.

از سوی دیگر، در جنایات سازمان‌یافته، شهود و آگاهان واقعی و حتی مجنی‌علیه این جرایم از ترس انتقام‌جویی گروه‌های جنایی، جرئت اقامه شهادت پیدا نمی‌کنند. بنابراین در اجرای برخی اصول دادرسی کیفری، از جمله افشای هویت شهود برای اصحاب دعوا تغییراتی حاصل می‌شود به طوری که هویت شهود برای طرفین، افشا نمی‌شود تا امنیت و سلامت آنان تأمین شود. بدین‌سان، حتی در مواردی که شهادت شهود مورد استفاده قرار می‌گیرد، تفاوت‌هایی با جرایم عادی دارد.

## ۲-۱-۳. کارشناسی

در عین حال، کارشناسی از طرقی است که می‌بایست بیشتر مورد توجه قرار گیرد. به خصوص در جرم پولشویی با حساب‌رسی‌های دقیق توسط کارشناسان خبره، می‌توان به منشأ درآمدها و متعارف یا نامتعارف بودن آن پی برد (سلیمی، ۱۳۸۱: ۲۱۱). لازم به ذکر است با توجه به طرح مسائل تخصصی مرتبط با علم اقتصاد در بزه پولشویی و نقل و انتقالات پنهانکارانه که عمدتاً توسط بزه‌کاران یقه سفید آشنا به مسائل مالی و بانکی صورت می‌گیرد استفاده از تیم مشاوران مورد اعتماد در مسائل اقتصادی در کنار هیئت قضائی جهت ارائه مشاوره به قضات که صرفاً با ساز و کارهای حقوقی سر و کار دارند نتایج مثبتی در پی خواهد داشت.

### ۱-۲-۲. شیوه‌های اصلی کشف و اثبات بزه پولشویی با وصف سازمان یافتگی

در جرایم سازمان‌یافته با توجه به سازمان‌یافتگی و پیچیدگی اعضای گروه علی‌الاصول می‌بایست نحوه تحصیل دلیل با سایر جرایم متفاوت باشد، چراکه به همان دلایلی که در قسمت الف توضیح دادیم روش‌های متعارف به دلایلی چند نمی‌تواند راهکار کشف جرایم سازمان‌یافته باشد.

### ۱-۲-۲. استفاده از مخبران

یکی از شیوه‌های مهمی که برای کشف و اثبات جنایات سازمان‌یافته به کار می‌رود استفاده از مخبران یا خبرچین‌ها می‌باشد. مخبر ممکن است خود یک مجرم باشد یا از اعضای مخفی پلیس که در انجام مأموریت خود اقدام به جمع‌آوری اخبار می‌کند، یا ممکن است شهروندان عادی مواردی را گزارش کنند. تعداد مواردی که شهروندان عادی گزارش می‌کنند با انگیزه‌های خاص صورت می‌گیرد. برخی اوقات به منظور انتقام‌جویی از گروه جنایی مربوطه، برخی وقت‌ها به منظور گرفتن پاداش از مسئولین مربوطه و برخی اوقات به منظور لو نرفتن فعالیت‌های اصلی، برخی از فعالیت‌های افشا شده را گزارش می‌کنند و بعضی زمان‌ها گزارش‌های خلاف واقعی نیز ارائه می‌گردد تا موجب گمراهی پلیس یا بی‌اعتمادی به گزارشات واصله شود. (غنی‌لو و دیگران، ۱۳۹۶: ۲۲) در هر حال مجرمان برای هرگونه همکاری با مأموران اجرای قانون توقعاتی ندارند. قابلیت استناد و اعتماد به گزارشات مجرمان به عنوان دلیل جای بحث دارد. در حقوق ایران نیز عدالت چنین افرادی محل بحث و تردید است. اگرچه در برخی از موارد به موجب قانون موجب

معافیت مرتکب از مجازات می‌شود. به عنوان مثال ماده ۵۰۷ قانون تعزیرات سال ۱۳۷۵ در این خصوص معافیت‌هایی را برای چنین مجرمانی پیش‌بینی نموده است.

## ۲-۲-۲. استفاده از فنون ویژه تحقیق

با توجه به پیچیدگی جنایات سازمان‌یافته فراملی و اینکه گروه‌های جنایتکار برای پیشبرد اهداف مجرمانه خود از فنون و فناوری پیشرفته استفاده می‌کنند. اگر مراجع تحقیق و کشف جرم به همان شیوه‌های متعارف و سنتی متوسل شوند، موفقیت ناچیزی خواهند داشت.

در هر دوره‌ای با توجه به امکانات فنی، محدودیت‌هایی نسبت به حق خلوت و زندگی خصوصی افراد ایجاد شده است. هدف ایجاد چنین محدودیت‌هایی، همواره تحصیل مستقیم دلایل از ارتباطات شخصی مظنون به ارتکاب جرم بوده است. در مرحله اول محدودیت‌هایی نسبت به محرمانه ماندن مکاتبات خصوصی ایجاد شد و سپس کنترل مکالمات تلفنی تجویز شد. امروزه برخی نظام‌های حقوقی زیر نظر قرار دادن مکالمات خصوصی داخل خانه را مجاز می‌شمارند. در حقوق ایران نیز باید این امر مورد بررسی کارشناسانه قرار گیرد. برای اینکه انجام تحقیقات ویژه پیرامون کنترل ارتباطات مورد سوءاستفاده واقع نشود در نظام حقوقی بیشتر کشورهایی که چنین تحقیقاتی پذیرفته شده است انجام آن تابع تشریفات خاصی شده است. علاوه بر اینکه هرگونه کنترلی باید به دستور مقام قضایی باشد و فقط در مورد جرایم خاص قابل اعمال شناخته شده است. در حقوق ایران ضمن اینکه بازرسی مراسلات و مکالمات بدون اجازه مقام قضایی جرم شناخته شده است. اختیارات قضات در این زمینه محدودیتی ندارد. در مواردی هم که مربوط به امنیت کشور باشد ظاهراً اختیار مقامات غیر قضایی نیز نامحدود است.

در این زمینه کنوانسیون پالرمو دولت‌های متعاقد را به استفاده از فنون ویژه ترغیب نموده است که چه بسا در شرایط عادی خلاف قواعد حقوق بشری و نقض حریم خصوصی (حق خلوت) اشخاص و نافی حقوق متهم تلقی شود.

توضیح آن‌که در ماده ۲۰ کنوانسیون به دولت‌ها پیشنهاد شده است اگر اصول حقوق داخلی اجازه دهد از وسایلی مثل تحویل (محموله‌های) تحت کنترل و در صورت اقتضاء تحت نظر قرار دادن الکترونیک و سایر شیوه‌های تحقیقاتی و عملیات سری برای مبارزه با جنایات سازمان‌یافته فراملی استفاده کنند. منظور از تحویل تحت کنترل، شیوه‌هایی مثل توقف و حرکت کالاها و اجازه ادامه

مسیر آن‌ها به صورت دست‌نخورده یا از بین بردن آن‌ها یا جایگزین کردن آن‌ها به طور کلی یا جزئی است.

سپس دولت‌ها تشویق شده‌اند برای همکاری در این زمینه و گسترش این نوع تحقیقات در سطح بین‌الملل، به انعقاد توافقنامه‌های دو یا چندجانبه مبادرت ورزند و در صورت نبود چنین توافقنامه‌هایی به طور موردی همکاری کنند. در عین حال، این اقدامات نباید خللی به تساوی حاکمیت دولت‌ها وارد کند.

طرح تحویل تحت کنترل همواره موفقیت‌آمیز نیست. در مواردی چند به خاطر همکاری خبرچین‌های جنایی پلیس با گروه‌های جنایی مربوطه یا به خاطر همکاری نکردن نیروهای پلیس با یکدیگر و نظایر آن تحویل تحت کنترل بی‌نتیجه مانده است به گونه‌ای که مواد مخدر موضوع تحویل تحت کنترل در بازار آزاد به فروش رفته است و خبرچین‌های حرفه‌ای مبالغه‌ناگفتنی منافع نامشروع ناشی از آن را به دست آورده‌اند. سرمایه‌های دولتی بر باد رفته و موفقیتی در مبارزه با سازمان‌های جنایی مربوطه به دست نیامده است.

### ۲-۳. تصویب قانون جرایم علیه اجرای عدالت

با توجه به اینکه گروه‌های جنایی با توانایی‌های اقتصادی و قدرت نفوذ زیادی که دارند در صورت عدم تدارک تدابیر مقتضی می‌توانند با اعمال فشار و نفوذ در شهود و تهدید مأموران اجرای قانون، مانع از احراز و اثبات جرایم ارتكابی خود و اجرای عدالت شوند. از این رو در جرایم سازمان‌یافته ضرورت برخورد قاطع و مؤثر با هرگونه اعمال تهدید و فشار نسبت به شهود یا مسئولین اجرای قانون با وضع قوانین مقتضی پیش‌بینی می‌شود و ایجاد مانع در روند اجرای عدالت، خود جرم مهمی محسوب می‌شود.

### ۲-۴. تبادل اطلاعات و همکاری بین‌المللی

پولشویی اساساً یک جنایت فراملی است و مجرمان برای از بین بردن منشأ غیرقانونی منافع حاصله، اقدام به انتقال دارایی خود به کشورهای دیگر می‌کنند و با انجام معاملات و مبادلات خاص سعی می‌کنند عواید جرم را در اقتصاد سالم تطهیر کنند. از این رو، تبادل اطلاعات میان کشورهای مربوطه در کشف جرم امری حیاتی است. در حقوق داخلی، ردیابی و توقف یک اتومبیل مسروقه با همکاری واحدهای پلیس مناطق و شهرستان‌های مختلف به سهولت انجام می‌پذیرد ولی چنانچه

هیچکدام از این واحدها حق ورود در حوزه دیگری نداشته باشند و با یکدیگر همکاری و تبادل اطلاعات نداشته باشند، توقیف اتومبیل غیرممکن می‌شود. در سطح بین‌المللی نیز دقیقاً همین وضع حاکم است، لذا اگر دولت‌ها با یکدیگر همکاری نداشته باشند کافی است که منافع ناشی از جرم از سرزمین دولت محل وقوع جرم منشأ خارج شود تا کاملاً مصون از کشف و تعقیب بماند. در این خصوص باید توجه داشت که کشف تطهیر پول، چنانچه در مراحل اولیه صورت نگیرد، بعدها امر بسیار دشواری خواهد بود لذا کشف پول‌شویی به سرعت زیادی نیاز دارد و دولت‌ها باید با تعیین نهادهایی که متصدی امر مبادله اطلاعات و همکاری بین‌المللی باشد، این همکاری را تسهیل کنند.

### ۲-۳. شیوه‌های اختصاصی و افتراقی کشف و اثبات جرم پول‌شویی

با توجه به این که پولشویی اغلب از طریق بانک‌ها و مؤسسات مالی اعتباری صورت می‌گیرد لذا دسته‌ای از تمهیدات در کشف و اثبات پول‌شویی به نهادهای مالی مربوط می‌شود. با توجه به این که پولشویی اغلب از طریق بانک‌ها و مؤسسات مالی اعتباری صورت می‌گیرد لذا دسته‌ای از تمهیدات به همکاری نهادهای مالی در کشف و اثبات پولشویی مربوط می‌شود. این همکاری‌ها ابعاد مختلفی دارد.

نخست، احراز هویت و ثبت معاملات بوسیله‌ی بانک‌هاست. بانک‌ها موظف هستند هویت کامل و دقیق مشتریان را احراز کنند. لذا افتتاح حساب به صورت بی‌نام و یا بانام غیرواقعی و مجعول، غیرقانونی است. احراز هویت باید با اسناد هویت معتبر عکس‌دار صورت گیرد و به نظر می‌رسد با توجه به اینکه گروه‌های جنایی از اسناد مجعول به وفور استفاده می‌کنند، لازم است با گرفتن اثر انگشت از مشتریان، بتوان هویت واقعی آن‌ها را به دست آورد تا هویت واقعی و کامل مشتریان در سوابق بانکی موجود باشد. همچنین بانک‌ها و مؤسسه‌های مالی موظف می‌شوند مبادلات صورت گرفته و دفاتر خود را تا مدت‌زمان مشخصی نگهداری کنند تا در صورت مطالبه و نیاز از سوی مأمورین قانون بلافاصله ارائه دهند.

دوم اعلام موارد مشکوک است وظیفه دیگر نهادهای مالی که تا حدی جنبه پلیسی نیز دارند عبارت است از اینکه در صورت مشاهده معاملات و مبادلات مالی مشکوک با ارقام بسیار زیاد، مسئله را باید به مراجع ذیصلاح اطلاع دهند. در برخی کشورها، بانک‌ها مکلف شده‌اند تمام ارقام بالاتر از سقفی معین را گزارش کنند.

اعلام هویت مشتریان، مبادلات انجام شده و معاملات مشکوک به مراجع ذیصلاح، با یک قاعده بانکی مهم با عنوان «حفظ اسرار بانکی» یا «رازداری بانکی» تعارض پیدا می‌کند. در بیشتر کشورها این قاعده یکی از حقوق مسلم مشتریان محسوب می‌شود و در قوانین جزایی کشورها، از جمله قانون مجازات اسلامی ایران، ضمانت اجرای کیفری برای افشای اسرار حرفه‌ای پیش‌بینی شده است. برخی از صاحب‌نظران قاعده مزبور را یکی از اصول اساسی حقوق بشر تلقی و آن را غیرقابل نقض می‌دانند ولی با وضع قانون مقتضی و با رعایت شرایط قانونی، می‌توان نظریه مذکور را مخدوش نمود. توضیح آنکه اولاً اگر چنین قاعده‌ای را از مصادیق غیرقابل نقض حقوق بشر تلقی کنیم، جای تردید وجود دارد. ثانیاً اگرچه افراد و حقوق آن‌ها در هر جامعه‌ای مصون از تعرض است، ولی در صورت ارتکاب جرم یا وجود امارات یا دلایل قوی بر وقوع جرم با رعایت موازین قانونی، حقوق مزبور قابل خدشه است. برای مثال، آزادی یا مسکن افراد مصون از تعرض است ولی در صورت توجه اتهام، می‌توان اقدام به جلب شخص نمود یا از منزل متهم بازرسی کرد. در حقوق ایران اصل ۲۲ قانون اساسی، حقوق افراد را از تعرض مصون دانسته است مگر در مواردی که قانون تجویز نموده باشد. در قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ نیز افشای اسرار جرم و برای آن مجازات تعیین شده است. بنابراین بانک‌ها و مؤسسات مالی در صورتی مجاز به ارائه اسناد و مدارک می‌باشند که قانون در این خصوص وجود داشته باشد. در قانون پولشویی این مجوز داده شده است.

در مواد ۶، ۷ و ۸ قانون پولشویی بانک‌ها و مؤسسات مالی و سایر نهادها و دستگاه‌ها را تکلیف به ارائه مستندات و مدارک و گزارش موارد مشکوک نموده است که در مباحث بعدی به آن اشاره خواهد شد.

### ۲-۳-۱. احراز هویت مشتریان و افراد از ناحیه بانک‌ها

لزوم احراز هویت مشتریان بانکی و بروزرسانی اطلاعات هویتی آن‌ها به هنگام انجام هرگونه معامله، عملیات و ارائه خدمات بیش از سقف مقرر - یعنی یکصد و پنجاه میلیون ریال - وجه نقد یا معادل آن به سایر ارزها و کالاهای گران‌بها، یا به هنگام وجود ظن به انجام پولشویی و همچنین ضرورت متوقف‌سازی ارائه خدمات یاد شده تا به هنگام شفاف‌سازی و اثبات اصالت مدارک شناسایی ارائه شده توسط ارباب رجوع یا رفع ظن نسبت به انجام فعالیت‌های پولشویی یا سایر جرایم مرتبط و همچنین پیگیری صحت و سقم اطلاعات ارائه شده به بانک‌ها از مسیر مراجع

ذیربط و ذیصلاح و اعلام موارد مغایرت قطعی و غیرقابل رفع به واحد اطلاعات مالی، مسائلی است که چهره‌ای از امنیت محوری تقنینی- اجرایی را به ذهن متبادر می‌سازد و در آیین‌نامه اجرایی قانون مبارزه با پولشویی مصوب ۱۳۸۸/۰۹/۱۱ در مواد ۳ و ۵ پیش‌بینی شده است. به عبارت دیگر، مطلق‌گرایی در پذیرش «جابجایی بار اثبات دلیل» به جهت مخالفت با اصل برائت مورد انتقاد بوده و برای اینکه میان اصل یاد شده با تسهیل اثبات جرم از ناحیه دادستان و ایجاب حفظ نظم عمومی تعادل ایجاد شود، موارد تعدیل آثار اصل برائت به‌عنوان استثناء باید در قانون تصریح شود یا آن که برای آن موارد استثنایی، سقفی به‌عنوان یک «فرض قانونی» تعیین شود.

### ۲-۳-۲. تعدیل اصل رازداری بانکی

یکی دیگر از مصادیق رسوخ اندیشه امنیت‌گرایی و ارجحیت بخشی از آن بر حقوق شهروندی، در مسئله تعدیل قواعد رازداری بانکی در جهت مبارزه کارآمد با بزه پولشویی قابل ملاحظه است. ضرورت التزام بانک‌ها به حفظ اسرار مشتریان خویش، به مثابه ابزاری ترغیب‌زا در جذب مشتری از یک‌سو، همچنین ضرورت همکاری بانک‌ها و مؤسسات مالی با دولت‌ها، در راستای پیشگیری از برهم خوردن نظم اقتصادی جامعه از مسیر فرایند پولشویی از سوی دیگر، حصول به راهبردهای ترازمندی میان این دو مقوله را با یک‌دیگر، امری ضروری ساخته است. یکی از مواردی که سبب می‌شود بانک‌ها بستر مناسبی برای ارتکاب جرم پولشویی و مخفی نمودن منشأ اصلی پول‌های غیرقانونی شوند، قاعده‌ای به نام «رازداری بانکی» است که براساس آن هویت صاحبان حساب فاش نمی‌شود و این خود عامل مهمی تلقی می‌شود که مجرمان برای تطهیر پول‌های غیرقانونی به سیستم بانکی ترغیب شوند و در واقع این قاعده مانع از کشف جرم می‌شود. بنابراین لازم است که این قاعده تا حدی تعدیل شده و در مسیر اهداف کنوانسیون‌های بین‌المللی و همچنین مصالح عمومی قرار گیرد، به طوری که نه این قاعده متزلزل شده و سبب بی‌اعتمادی افراد به سیستم بانکی شود و نه مجرمان بتوانند با توسل به آن، دست به پول‌شویی بزنند. در ماده ۲ توصیه‌نامه «گروه مالی واکنش سریع» اینگونه قید شده که «قوانین و اصول رازداری مؤسسات مالی نباید مانع از اجرای دستورالعمل مبارزه با پول‌شویی شود». همچنین در ماده ۵ کنوانسیون وین به تعدیل این اصل اشاره شده است.

نکته دیگری که باید به آن توجه کرد این است که در کنار لزوم احراز هویت مشتریان و ثبت معاملات نهادهای مالی و علی‌الخصوص بانک‌ها موظف‌اند که در صورت مشاهده معاملات و

مبادلات مالی مشکوک با ارقام بسیار زیاد، مسئله را به مراجع ذیصلاح اطلاع دهند. این مسئله در ماده ۸ قانون پولشویی بلژیک نیز ذکر شده است که این اطلاعات باید به گروه مالی واکنش سریع ارسال گردد. ممکن است این مسئله با اصل «رازداری بانکی» متعارض دانسته و استدلال شود که گرچه افراد و حقوق آن‌ها مصون از تعرض هستند، ولی در صورت ارتکاب جرم یا وجود امارات یا دلایل قوی بر وقوع جرم، با رعایت موازین قانونی، حقوق مزبور قابل خدشه است، چون یک مصلحت مهمتر از حفظ حقوق شخصی افراد، یعنی حفظ نظم اجتماعی و تضمین امنیت جامعه وجود دارد.

در واقع، این به معنی حرکت به سمت و سوی امنیت‌گرایی است.

در حقوق ایران اصل ۳۳ قانون اساسی حقوق افراد را مصون از تعرض دانسته است مگر در مواردی که موجب قانون، نقص این حقوق این حقوق تجویز شده باشد. در آیین‌نامه اجرایی قانون مبارزه با پولشویی مصوب ۱۳۸۸/۰۹/۱۱ نیز به لزوم احراز هویت اشخاص و عدول از قواعد رازداری بانکی در ماده ۲ اشاره شده است و یکی از وظایف واحد مسئول مبارزه با پولشویی، «تأمین اطلاعات تکمیلی مورد نیاز واحد اطلاعات مالی و سایر مراجع که در امر مبارزه با تروریسم ذیصلاح می‌باشند» معرفی شده است. نکته قابل ذکر این است که طبق مفاد تبصره ۱ ماده ۲۶ آیین‌نامه فوق‌الذکر، ارائه‌دهندگان وجه نقد بیش از سقف مقرر - یعنی مشتریان - موظف‌اند توضیحات مورد نیاز مذکور در فرم ابلاغ شده را به مقامات ذیصلاح ارائه نمایند. ماده ۲۷ نیز مقرر نموده است که گزارش معاملات مشکوک، بیان‌گر هیچگونه اتهامی به افراد نیست.

مشکلی که در اینجا پیش می‌آید این است که به واسطه تبصره ۱ ماده ۲۶ یکی از آثار براءت تحت عنوان «تکلیف مقام تعقیب یا شاکی خصوصی به ارائه دلیل» مورد چشم‌پوشی قرار گرفته است و این مشتری است که باید توضیحات مورد نیاز در خصوص منشأ مشروع کسب مبالغ مزبور را بیان کند. حال چنانچه مشتری نتواند یا این که نخواهد توضیحات مزبور را ارائه کند، آیا نتیجه‌ای جز «نقض حق سکوت متهم» در بر خواهد داشت؟ ضمانت اجرای عدم تمکین مشتری در اعمال و اجرای تبصره ۱ ماده ۲۶ چیست؟

درست است که ماده ۲۷ آیین‌نامه، گزارش معاملات مشکوک به مقامات ذیصلاح را بیان‌گر هیچگونه اتهامی به افراد ندانسته است، لیکن آیا نتیجه عملی بار شده بر این رویه پیش‌بینی شده در آیین‌نامه، چیزی جز نقض (سکوت متهمان) خواهد بود؟ اینجاست که تقابل میان «تضمین حقوق

شهروندی» (ماده ۲۷ آیین‌نامه) و «تأمین امنیت عمومی جامعه» (تبصره ۱ ماده ۲۶) به چشم می‌خورد؟

قانونگذار ایران هرچند در ماده ۱ قانون مبارزه با پولشویی مصوب ۱۳۸۶ به درستی امنیت‌گرایی را دستاویزی برای عدول از اصل برائت قرار نداده است، لکن می‌بایستی لااقل به جهت تأمین و حفظ نظم و امنیت عمومی جامعه، به طور استثنایی و در پرتو رعایت اصل قانونی‌بودن، از پاره‌ای آثار اصل برائت عدول می‌نمود و جابجایی بار اثبات دلیل و عدول نسبی از حق سکوت متهمان را می‌پذیرفت و اثبات خلاف آن را بر عهده افراد می‌نهاد. با وجود این، از ملاحظه آیین‌نامه اجرایی قانون مبارزه با پولشویی استنباط می‌شود که رگه‌هایی از امنیت‌گرایی در جرم پولشویی از طریق «لزوم احراز هویت اشخاص» و «عدول از قواعد رازداری بانکی» و «نقض سکوت افراد مظنون» و «جابجایی بار اثبات دلیل» در این آیین‌نامه عملاً پذیرفته شده است. در این راستا ماده ۸ قانون مبارزه با پولشویی به ایجاد تعادل میان دو مقوله «تضمین حقوق شهروندی» و «تأمین امنیت عمومی جامعه» پرداخته است. بدین توضیح که ماده ۸ قانون مبارزه با پولشویی بیان داشته است که «اطلاعات و اسناد گردآوری شده در اجرای این قانون، صرفاً در جهت اهداف تعیین شده در قانون مبارزه با پولشویی و جرایم منشأ آن مورد استفاده قرار خواهد گرفت.»

افشای اطلاعات یا استفاده از آن به نفع خود یا دیگری، به طور مستقیم یا غیرمستقیم توسط مأموران دولتی یا سایر اشخاص مقرر در این قانون، ممنوع بوده و متخلف به مجازات مندرج در قانون مجازات انتشار و افشای اسناد دولتی مصوب ۱۳۵۳/۱۱/۲۹ محکوم خواهد شد. و این یعنی «تضمین حقوق شهروندی در کنار امنیت عمومی جامعه» در بند ۴ ماده ۳۸ آیین‌نامه «اعلام مشخصات دارای سابقه پولشویی یا تأمین مالی تروریسم به اشخاص مسئول جهت مراقبت بیشتر و یا قطع همکاری، در صورت درخواست مراجع ذیربط.»

در ماده ۳۳ آیین‌نامه آمده است «تمامی اشخاص مشمول مکلف‌اند مدارک مربوط به سوابق معاملات و عملیات مالی (اعم از فعال و غیرفعال) و نیز مدارک مربوط به سوابق شناسایی ارباب رجوع هنگام ارائه خدمات پایه را به صورت فیزیکی و سایر روش‌های قانونی، حداقل به مدت ۵ سال بعد از پایان عملیات نگهداری کنند. هیئت تسویه اشخاص حقوقی مشمول، در صورت انحلال نیز موظف به نگهداری اسناد تا ۵ سال پس از رویداد مالی هستند.»

تبصره ۱- سوابق و مدارک موضوع این ماده باید به گونه‌ای ضبط و نگهداری شود که در صورت درخواست واحد اطلاعات مالی و سایر مراجع ذیربط، اطلاعات آن اسناد در ظرف زمانی مذکور

در ماده ۱۹ قابل دسترسی باشد. ارائه اصل اسناد و مدارک، در صورت درخواست واحد اطلاعات مالی و سایر مراجع ذیربط، باید حداکثر ظرف یک ماه صورت پذیرد. مسئولیت جستجو و ارائه اسناد با شخص مسئول است.

تبصره ۲- اسناد مذکور باید قابلیت بازسازی معاملات را در صورت نیاز ایجاد نماید.

تبصره ۳- این ماده ناقض سایر مقرراتی که نگهداری اسناد را بیش از مدت یاد شده الزامی ساخته است، نیست.»

در ماده ۴۷ آمده است «تمامی اشخاص مسئول موظف‌اند اطلاعات مورد درخواست واحد اطلاعات مالی در موضوع مبارزه با پولشویی را به نحوی که آن واحد تعیین کند جهت انجام وظایف محول شده تأمین نماید»

ماده ۴۸ نیز تکالیفی را برای بانک مرکزی در خصوص ارائه اطلاعات و اسناد مربوط به اشخاص نموده است که همگی دلالت بر این دارد در بزه پولشویی افشای اطلاعات افراد در محدوده قانون مجاز باشد و یکی از موارد عدول از دادرسی منصفانه می‌باشد.

در مجموع، روند جهانی سازی اقتصاد باعث رشد چشمگیر جرایم سازمان‌یافته فراملی شده است. انقلاب الکترونیک و به تبع آن، رشد فزاینده تجارت الکترونیکی، پیچیده‌تر شدن بازارهای مالی و غیره همگی از علت‌های رشد این دسته از جرایم شده‌اند. ممکن است یکی از این جرایم، پولشویی باشد. در راستای عملی سازی مبارزه کارآمد با بزه پولشویی - خصوصاً در شعبه سازمان یافته فراملی - همکاری مؤسسه‌های مالی و بانک‌ها در قالب «احراز هویت و ثبت معاملات مشتریان» و «اعلام موارد مشکوک به مراجع ذیصلاح» امری ضروری است. مبارزه با پولشویی خود می‌تواند به مثابه مؤثرترین ابزار در راستای مبارزه با سایر جرایم سازمان‌یافته تلقی شود. در قانون مبارزه با پولشویی و آیین‌نامه اجرایی آن، اصل بر این نهاد شده است که قبل از هر کاری هویت مشتریان احراز شود، لکن در شرایطی که ریسک کمتری برای ارتکاب پولشویی وجود دارد یعنی معاملات کمتر از سقف مقرر باشد، تکلیفی به شناسایی و احراز هویت مشتریان وجود ندارد.

در آیین‌نامه مستندسازی جریان وجوه در کشور که در تاریخ ۱۳۸۶/۱۲/۲۲ توسط هیئت وزیران به تصویب رسیده است، ذیل تبصره ۲ ماده ۳ آن، عدول از «قواعد رازداری بانکی و اعلام موارد مشکوک به مراجع ذیربط» پیش‌بینی شده است. همچنین در مقررات پیشگیری از پولشویی در مؤسسات مالی تنظیم شده از ناحیه بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران نیز مقرراتی در این خصوص آمده است.

### ۳. بار اثبات ادله در بزه پولشویی

از جمله اصول و قواعدی که امروزه حقوق کیفری بر مبنای آن استوار بوده است و یکی از معیارهای عدالت محسوب می‌شود. اصل برائت است. بر مبنای این اصل که در مقررات بین‌المللی و قوانین داخلی کشورها و به‌ویژه در قوانین اساسی و کیفری آن‌ها پیش‌بینی شده است، هر انسانی بیگناه فرض می‌شود و در صورت ورود اتهام به وی به سبب فرض بیگناهی، مدعی باید گناه وی را ثابت نماید. در عین حال، در موارد خاص از این فرض عدول شده و قواعد و بزه‌ای جایگزین این اصل شده است که در این موارد خاص بار اثبات دلیل جابجا شده و به عهده متهم قرار می‌گیرد و در واقع اماره مجرمیت حاکم می‌شود. علت آن نیز مشخص است. توضیح اینکه با قدرتمند شدن مجرمان در مقابل دولت، مصالح عالی کشورها اقتضاء می‌کند قلمرو این اصل در جرایم مهم، محدود شود و اماره مجرمیت بر اصل برائت مقدم شود. پولشویی از جمله موارد عدول نسبی از اصل برائت در اسناد بین‌المللی و قوانین داخلی است. استفاده از اماره مجرمیت و تحمیل بار دلیل بر متهم از جمله مهمترین این راهکارهاست.

#### ۳-۱. پیچیدگی پولشویی و صعوبت تعقیب و اثبات آن

با توجه به پیچیدگی عملیات پولشویی و مشکل اثبات عنصر معنوی و سوءنیت مرتکب، بار اثبات به دوش متهم گذاشته می‌شود. اولین دلیل آنچه به تعبیر برخی عدول از اصل برائت و اعمال اماره مجرمیت، محسوب می‌شود، به پیچیدگی ارتکاب برخی جرایم از جمله پولشویی بر می‌گردد. پیشرفت فناوری ضمن آنکه رفاه مادی را برای انسان به ارمغان آورده است، مشکلاتی را نیز برای پلیس و تشکیلات کیفری از نظر کشف جرم ایجاد کرده است. به موازات ترقی و پیشرفت پلیس در بهبود شیوه‌های کشف جرم، متخلفان نیز برای پیچیده کردن کشف آن تلاش می‌کنند و حتی می‌توان گفت تبه‌کاران بسیار پیشروتر از پلیس عمل می‌کنند. از این رو قانونگذار برای حمایت از مقامات پلیس و تعقیب‌کننده جرم و در واقع در مقام رفع نقطه ضعف پلیس، به کمک آنان می‌آید و بنا به تعبیری با معکوس کردن بار اثبات دلیل و به نظر برخی دیگر با اعمال اماره مجرمیت، متهمان را در موضع ضعف قرار می‌دهند. همچنین گفته می‌شود آنچه معکوس کردن بار اثبات نامیده می‌شود، لازمه ذاتی اصل احتیاط در برابر پیشرفت‌های فناورانه و شیمیایی عصر حاضر است (رحمدل، ۱۳۸۵: ۵۰) و در مورد فناوری جدید و محصولات شیمیایی جدید، به لحاظ خطرناکی آن‌ها، باید فرض را بر خطرناکی آن‌ها قرار داد مگر اینکه بی‌خطر بودن آن‌ها اثبات شود.

به نظر ما حتی اگر این نظر و این رویکرد بتواند تا حدودی با واقعیات امروزی مربوط به پیشرفت فناوری ارتباط داشته باشد، ولی در مورد برخی جرایم سنتی، این افتراقی شدن تحصیل دلیل به هیچ وجه نمی‌تواند توجیه کننده باشد. به عنوان مثال در خصوص جرم صدور چک پرداخت نشدنی نمی‌توان به این شیوه استناد جست. ما معتقدیم که افتراقی شدن تحصیل دلیل یا ناظر به عنصر مادی است یا عنصر معنوی و به هیچ وجه ناظر به عنصر قانونی نیست. چون بدون عنصر قانونی هیچگاه بحث جرم بودن عمل مطرح نمی‌شود تا بحث بار اثبات و مسئول اثبات مطرح شود. در مورد عنصر مادی و معنوی نیز برحسب این که قانونگذار کدام یک را مفروض انگاشته باشد، مسئولیت دادستان به اثبات عنصر غیر مفروض، کماکان به قوت خود باقی است.

### ۲-۳. تناسب

در برخی موارد، فایده‌ی اجتماعی مترتب بر موضوع، می‌تواند از دلایل افتراقی شدن بار اثبات دلیل به شمار رود. به عبارت دیگر در این مورد باید بین نفع عمومی و نفع متهم تناسبی برقرار شود و اگر منافع اجتماعی بر منافع فردی برتری بیشتری داشته باشد در صورتی که متهم در پناه اصل برائت بتواند امنیت عمومی را به مخاطره اندازد، در این حالت، تحصیل دلیل افتراقی می‌گردد. برای مثال در حقوق انگلیس، برای عدول از اصل برائت لازم است تناسب رعایت شود و برای احراز تناسب باید معیارهایی از جمله شدت فعل ارتكابی، اهمیت جرم، توجیه دقیق قرار دادن بار اثبات بر عهده متهم و درجه مشکلی که ممکن است برای رهایی از بار اثبات با آن مواجه شود، وجود داشته باشد.

از توجه به معیارهای چهارگانه فوق در خصوص انگلستان، چنین برمی‌آید که معیارهای سه‌گانه اول معادل هم است. چون شدت و اهمیت جرم، از توجه به شدت فعل ارتكابی معین می‌شود و توجیه قرار دادن بار اثبات بر عهده متهم نیز چیزی جز بیان شدت فعل ارتكابی و اهمیت جرم نیست و در صورت افتراقی شدن بار اثبات موجه خواهد بود که جرم، از جرایم شدید و مهم باشد.

### ۳-۳. اوضاع و احوال

همانگونه که می‌دانیم اصل برائت، اصلی عقلی و منطقی است و قانونگذار با توجه به وضعیت غالب افراد در جامعه و این که اساساً اصل بر عدم ارتكاب جرم است، اصل را بر برائت قرار داده است. به عبارت دیگر اوضاع و احوال محیط بر جامعه، بیان‌گر آن است که هیچکس مجرم نیست

مگر اینکه ادعای مربوط به ارتکاب جرم با دلایل مشروع به اثبات برسد. به عبارت دقیق‌تر، عقل حکم می‌کند که متهم به ارتکاب جرم، بیگناه تلقی شود و مدعی، ادعای خود دایره بر مجرمیت وی را ثابت کند. مبنای حکم عقل نیز اوضاع و احوالی است که افراد انسانی در آن زندگی می‌کنند. بر این اساس، برخی به این نتیجه رسیده‌اند که در مواردی که اوضاع و احوال دگرگون می‌شود، عقل نیز به نحو دیگری حکم خواهد کرد، لذا قانون‌گذار نیز با توجه به اوضاع و احوال موجود در برخی جرایم، از اصل برائت عدول کرده و اصل را بر مجرمیت قرار می‌دهد.

### ۳-۴. بار اثبات دلیل از منظر اسناد بین‌المللی و حقوق سایر کشورها

گرچه بار اثبات دلیل یا به تعبیر دیگر برائت از اواخر سده نوزدهم میلادی تحت تأثیر آموزه‌های مکتب کلاسیک، جایگاه خود را در حقوق کیفری کشورهای مختلف پیدا نموده ولی در تاریخ حقوق کیفری، این اصل از جایگاهی قدیمی برخوردار بوده است. برای مثال در حقوق روم آنتونیوس (Antonius) یکی از دست پروردگان مکتب رواقی که قابل به لزوم توافق قانون با اصول اخلاقی و مبتنی بودن مسئولیت کیفری بر نیت مجرمانه و نه نتیجه مجرمانه بود، اعتقاد داشت در موارد شک و تردید نسبت به مجرم بودن متهم باید به سود او رأی داده شود و تا گناه کسی اثبات نشد بیگناه شناخته می‌شود. از نظر مینا در حقوق کیفری اسلام جایگاه این اصل را باید در قاعده معروف «درء حدود به سبب شبهات» جستجو نمود.

امروزه به دلیل این که حقوق جزا و به ویژه دادرسی کیفری تحت نفوذ کامل حقوق عمومی درآمده است و مقامات تعقیب در امر کیفری اعم از دادستان و غیره به عنوان مدعی‌العموم در مقابل متهم دارای قدرت زیادی هستند که به موجب آن به راحتی امکان استفاده از قوای عمومی و دیگر تضمین‌های ویژه را دارا می‌باشند و در مقابل، متهم از هیچ‌یک از این امکانات بهره‌مند نیست، کفه ترازوی عدالت کیفری به نفع مدعی‌العموم سنگینی می‌کند. (خزانی، ۱۳۷۶: ۱۳۹) و در نتیجه، عدالت حقوقی بیش از پیش لزوم اعمال اصل برائت در امور کیفری را آشکار می‌سازد. در حقوق انگلستان اصل برائت مبتنی بر حقوق عرفی است و این اصل از یک سری احکام قضایی استنتاج شده است.

به‌رغم حاکمیت اصل برائت اما در مواردی از آن عدول می‌شود. در جرایم علیه امنیت در قوانین کشورها از اصل برائت عدول شده است.

در قانون مجازات آلمان با فرض این که اموال و دارایی‌های مشکوک و مظنون از یک سری جرایم حاصل شده پیش‌بینی گردیده است، به گونه‌ای که اگر متهم نتواند منشأ مشروع اموال مظنون خود را اثبات نماید. این اموال مصادره خواهد شد. توجه قانونگذار کشور آلمان نیز منطبق بر کنوانسیون‌های بین‌المللی و اسناد منطقه‌ای می‌باشد.

در حقوق فرانسه با توجه به وجود مشکل در اثبات شناخت و آگاهی مجرم از منشأ اموال بازیابی شده وجود دارد، قانونگذار را وادار به پذیرش اماره مجرمیت بر اصل براءت نموده است. به عبارت دیگر در تمامی موارد که اتهامی متوجه متهم است این مدعی‌العموم است که وظیفه ارائه دلیل را دارد اما در بزه پولشویی با توجه به اینکه اثبات منشأ نامشروع بودن اموال امری بسیار مشکل می‌باشد و در برخی موارد غیرممکن و این امر موجب تبرئه متهم می‌شود و نوعی دارا شدن ناحق و ناعادلانه می‌باشد لذا راه‌حل اساسی را در این دیده‌اند که بار ارائه دلیل معکوس گردد.

انجمن بین‌المللی حقوق جزا در قطعنامه شانزدهمین کنگره بین‌المللی حقوق جزا پیرامون «سیستم کیفری در مقابل چالش جرم سازمان‌یافته» پیشنهاد داد در موارد جرایم سازمان‌یافته اگر دادگاه می‌توانست اثبات کند که موسسه‌ای در ارتکاب اینگونه جرایم دخالت داشته است می‌تواند اموال مربوط به فعالیت‌های آن موسسه را مصادره نماید مگر اینکه صاحب آن اثبات کند که آن‌ها را از راه‌های قانونی به دست آورده است. در کنوانسیون سازمان ملل متحد علیه جرایم سازمان‌یافته معروف به پالرمو نیز در ماده ۲۴ آمده است: «دولت‌های عضو موظف هستند که در ارتباط با اموال مشکوک نیز از متهم درباره اصالت و مشروعیت درآمدهای مورد اتهام و دیگر اموال مشکوک و در معرض مصادره توضیح بخواهند و در صورت عدم کفایت توضیحات متهم و عدم اثبات مشروعیت درآمدها، این اموال ضبط و مصادره گردند.» توجه اسناد بین‌المللی به بار اثبات دلیل و تحمیل اثبات براءت بر دوش متهم و تقدم اماره مجرمیت بر اصل براءت، از تاثیرات امنیت‌گرایی در بزه پولشویی است.

### ۳-۵. بار اثبات دلیل از منظر قانون اساسی و سایر قوانین متفرقه

همان‌طور که اشاره شد از جمله اصولی که امروزه حقوق کیفری بر آن استوار است در قانون اساسی در اصل ۳۷ آمده است «اصل، براءت است و هیچکس مجرم شناخته نمی‌شود، مگر اینکه جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد.» در قانون مدنی در ماده ۱۲۵۷ آمده است که «هر کس مدعی

حقی باشد باید آن را اثبات کند و مدعی علیه هرگاه در مقام دفاع، مدعی امری شود که محتاج به دلیل باشد اثبات امر بر عهده او است.»

در ماده ۴ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ آمده است که «اصل، برائت است.» در اصل ۴۹ قانون اساسی نیز در خصوص ثروت‌های بادآورده اصل را بر برائت گذاشته است. در قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی نیز اصل بر برائت می‌باشد. با نگاهی اجمالی به قانون اساسی و سایر قوانین چنین استحصال می‌شود که قانونگذار اماره مجرمیت را در هیچ شرایطی نپذیرفته است و بر اساس اصول کلی، اصل برائت را در تمامی جرایم جاری و ساری دانسته است.

### ۳-۶. بار اثبات دلیل از منظر قانون پولشویی

ماده ۱ قانون پولشویی مصوب سال ۱۳۸۶ مقرر می‌دارد: «اصل بر صحت و اصالت معاملات تجاری موضوع ماده ۲ قانون تجارت است مگر آنکه بر اساس مفاد این قانون خلاف آن به اثبات برسد. استیلاي اشخاص بر اموال و دارایی اگر توأم با ادعای مالکیت شود، دال بر مالکیت است.» با توجه به ملاحظات امنیت گرایانه در جرم پولشویی، ماده ۲ قانون اصلاح مبارزه با پولشویی مصوب ۱۳۹۷ موضوع اصلاح ماده ۲ قانون پولشویی، با اضافه کردن تبصره ۱ به این ماده، بار اثبات دلیل را دگرگون کرد و در موضع مقابل نسبت به قانون سابق، بیان داشت: «هرگاه ظن نزدیک به علم به عدم صحت معاملات و تحصیل اموال وجود داشته باشد مانند آن که نوعاً و باتوجه به شرایط امکان تحصیل آن میزان دارایی در یک زمان مشخص وجود نداشته باشد مسؤولیت اثبات صحت آن‌ها بر عهده متصرف است. منظور از علم در این تبصره و تبصره (۳) همان است که در قانون مجازات اسلامی برای علم قاضی تعریف شده است.» ماده ۲۱۱ قانون مجازات اسلامی و تبصره ذیل آن در خصوص علم قضایی و حدود و ثغور آن بیان می‌دارد:

«ماده ۲۱۱- علم قاضی عبارت از یقین حاصل از مستندات بین در امری است که نزد وی مطرح می‌شود. در مواردی که مستند حکم، علم قاضی است، وی موظف است قرائن و امارات بین مستند علم خود را به طور صریح در حکم قید کند.

تبصره- مواردی از قبیل نظریه کارشناس، معاینه محل، تحقیقات محلی، اظهارات مطلع، گزارش ضابطان و سایر قرائن و امارات که نوعاً علم‌آور باشند می‌تواند مستند علم قاضی قرار گیرد. در هر

حال مجرد علم استنباطی که نوعاً موجب یقین قاضی نمی‌شود، نمی‌تواند ملاک صدور حکم باشد.»

اما در قانون مبارزه با پولشویی مصوب سال ۱۳۸۶ و اصلاحیه‌ی مصوب سال ۱۳۹۷، معاملات مشکوک داریم. در ماده ۴ قانون پولشویی مصوب سال ۱۳۸۶ آمده است «به منظور هماهنگ کردن دستگاه‌های ذیربط در امر جمع‌آوری، پردازش و تحلیل اخبار، اسناد و مدارک، اطلاعات و گزارش‌های واصله، تهیه سیستم‌های اطلاعاتی هوشمند شناسایی معاملات مشکوک و به منظور مقابله با جرم پولشویی شورای عالی پولشویی به ریاست و مسئولیت وزیر امور اقتصادی و دارایی و با عضویت وزرا بازرگانی، اطلاعات، کشور و رئیس بانک مرکزی با وظایف ذیل تشکیل می‌گردد:

۱) جمع‌آوری و کسب اخبار و اطلاعات مرتبط و تجزیه و تحلیل و طبقه‌بندی فنی و تخصصی آن‌ها در مواردی که قریب‌المراد بر تخلف وجود دارد طبق مقررات.

۲) تهیه و پیشنهاد آیین‌نامه‌های لازم در خصوص اجرای قانون به هیئت‌وزیران.

۳) هماهنگ کردن دستگاه‌های ذیربط و پیگیری اجرای کامل قانون در کشور.

۴) ارزیابی گزارش‌های دریافتی و ارسال به قوه قضائیه در مواردی که به احتمال قوی صحت دارد یا محتمل آن از اهمیت برخوردار است.

۵) تبادل تجارب و اطلاعات با سازمان‌های مشابه در سایر کشورها در چارچوب مفاد ماده ۱۱.

تبصره ۱- دبیرخانه شورای عالی در وزارت امور اقتصادی و دارایی خواهد بود.

تبصره ۲- ساختار و تشکیلات اجرایی شورا تناسب با وظایف قانونی آن با پیشنهاد شورا به تصویب هیئت‌وزیران خواهد رسید.

تبصره ۳- کلیه آیین‌نامه‌های اجرایی شورای فوق‌الذکر پس از تصویب هیئت‌وزیران برای تمامی اشخاص حقیقی و حقوقی ذی‌ربط لازم‌الاجرا خواهد بود. متخلف از این امر به تشخیص مراجع اداری و قضایی حسب مورد به دو تا پنج سال انفصال از خدمت مربوط محکوم خواهد شد.

به موجب بند (ج) ماده ۷ قانون مذکور گزارش معاملات و عملیات مشکوک به مرجع ذیصلاحی که شورای عالی مبارزه با پولشویی تعیین می‌کند.

حسب ماده ۷ آن قانون، اشخاص، نهادها و دستگاه‌های مشمول این قانون (موضوع مواد ۵ و ۶) برحسب نوع فعالیت و ساختار سازمانی خود مکلف به گزارش و عملیات مشکوک به مراجع ذیصلاح بوده و در هنگام وجود ظن به انجام پولشویی، مکلف به شناسایی اولیه و کامل اشخاص

می‌باشند (ماده ۳ آیین‌نامه). هم‌چنین در ماده ۵ آیین‌نامه اشاره به عدم ارائه خدمت به فرد انجام دهنده معاملات مشکوک دارد. ماده ۳۸ آیین‌نامه نیز واحد اطلاعات مالی به منظور «جمع‌آوری و اخذ اطلاعات معاملات مشکوک» و «ارزیابی، بررسی و تحلیل اطلاعات گزارش‌ها و معاملات مشکوک» در وزارت امور اقتصادی تشکیل می‌گردد. اما به راستی چه معامله‌ای مشکوک است؟ با این حال، ماده ۱ قانون اصلاح قانون مبارزه با پولشویی، ماده ۱ قانون سابق را اصلاح کرد و با الحاق بند (چ) به ماده ۱، «معاملات و عملیات مشکوک» را به شرح ذیل تعریف کرد:

«معاملات و عملیات مشکوک شامل هر نوع معامله، دریافت یا پرداخت مال اعم از فیزیکی یا الکترونیکی یا شروع به آن‌ها است که براساس قرائن و اوضاع و احوالی مانند موارد زیر ظن وقوع جرم را ایجاد کند:

۱- معاملات و عملیات مالی مربوط به ارباب رجوع که بیش از سطح فعالیت مورد انتظار وی باشد.  
 ۲- کشف جعل، اظهار کذب یا گزارش خلاف واقع از سوی مراجعان قبل یا بعد از آنکه معامله یا عملیات مالی صورت گیرد و نیز در زمان اخذ خدمات پایه.

۳- معاملات یا عملیات مالی که به هر ترتیب مشخص شود صوری یا ظاهری بوده و مالک شخص دیگری است.

۴- معاملات یا عملیات مالی بیش از سقف مقرر در آیین‌نامه اجرائی این قانون هر چند مراجعان قبل یا حین معامله یا عملیات مزبور از انجام آن انصراف داده یا بعد از انجام آن بدون دلیل منطقی نسبت به فسخ قرارداد اقدام نمایند.»

تعریف اصولی شک مشخص است. وقتی مسئله‌ای مطرح باشد و ذهن در مقابل آن بین دو یا چند احتمال قرار گیرد و گرایش به طرف یکی از احتمالات پیدا نکند حالت شک وجود دارد (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۸: ۳۹۲)

اما بند (دو) ماده یک آیین‌نامه اجرایی قانون مبارزه با پولشویی بدون توجه به اینکه شک اصطلاح اصولی است و فارغ از دغدغه‌های نظری، معاملات مشکوک را معاملات و عملیاتی می‌داند که اشخاص با در دست داشتن اطلاعات و یا قرائن و شواهد منطقی ظن پیدا کنند که این عملیات و معاملات به منظور پولشویی انجام شود.

ملاحظه می‌شود که قانونگذار (معامله مشکوک) را معامله‌ای می‌داند که مظنون به قرین بودن آن به قصد پولشویی باشد. به این ترتیب مقنن در اصطلاح اصولی شک و ظن را بهم ریخته است. در اصطلاحی که در اصول، حقوق و کلام شناخته شده و تباین آن‌ها با یکدیگر مشخص است.

اما اشکال دقیق‌تر از این واژه‌گزینی نامناسب است که اگر قرار است در معاملات مشکوک، اقدامات مذکور در قانون اجرا شود دیگر چه نیازی به ذکر اصل صحت در ماده یک قانون است. مگر نه این است که اصل صحت در مقام شک به کار می‌آید. همه این‌ها این نکته را به ذهن متبادر می‌کند که شاید ذکر اصل صحت در قانون تنها جنبه تبلیغاتی دارد و مقنن دغدغه واقعی در خصوص آن نداشته است. حال باید به این سؤال پاسخ داد که قرائن و شواهد منطقی چه می‌باشد؟ براساس تبصره قرائن و شواهد منطقی عبارت است از شرایط و مقتضیاتی که یک انسان متعارف را وادار به تحقیق در خصوص منشأ مالی و سپرده‌گذاری یا سایر عملیات مربوط می‌نماید. برخی از این عملیات و معاملات مشکوک عبارت‌اند از:

- ۱- معاملات و عملیات مالی مربوط به ارباب رجوع که بیش از سطح فعالیت مورد انتظار وی باشد.
- ۲- کشف اظهار کذب و یا گزارش خلاف واقع از سوی ارباب رجوع قبل و بعد از آن که معامله‌ای صورت گیرد و نیز در زمان اخذ خدمات پایه.
- ۳- معاملاتی که به هر ترتیب مشخص شود ذینفع واقعی حداقل یکی از متعارضین ظاهری آن شخص یا اشخاص دیگری بوده‌اند.
- ۴- معاملات تجاری بیش از سقف مقرر که با موضوع فعالیت ارباب رجوع و اهداف تجاری شناخته شده از وی مغایر باشد.
- ۵- معاملاتی که اقامتگاه قانونی طرف معامله در مناطق پرخطر از نظر پولشویی واقع شده باشد.
- ۶- معاملات بیش از سقف مقرر که ارباب رجوع، قبل یا حین معامله از انجام آن انصراف داده و یا بعد از انجام معامله بدون دلیل منطقی نسبت به فسخ قرارداد اقدام نماید.
- ۷- معاملاتی که طبق عرف کاری اشخاص مشمول، پیچیده، غیرمعمول و بدون اهداف اقتصادی واضح باشد.

دو نکته در موارد فوق محرز است:

یکی آن که موارد فوق جنبه تمثیلی دارد و نه حصری، لذا مراجع مربوطه در صورت احراز سایر موارد مشکوک نیز مکلف به انجام اقدامات مقتضی می‌باشند. و دیگری در موارد فوق ظن به این وجود دارد که معامله مقرون به پولشویی است، بنابراین علی‌القاعده باید اماره محسوب شود. اما توجه به این نکته لازم است که این موارد تنها از لحاظ مراجع قضایی، اماره محسوب می‌شوند و مراجع اداری مرتبط باید به محض رویارویی با موارد فوق اقدامات مربوطه را به انجام رسانند.

بنابراین موارد از نظر مقامات فوق می‌باید فرض قانونی محسوب شوند. (اسعدی، ۱۳۸۸: ۴۵۶) اما در مقام جمع میان اصل براءت و صحت با بحث معاملات مشکوک می‌توان گفت که هدف از اصول فوق حمایت از متهم در برابر مراجع قضایی در فرایند دادرسی است که در انتها ممکن است به محکومیت متهم منجر شود. در این مسیر نمی‌توان متهم را وادار به ارائه دلیل برای اثبات بیگناهی خود نمود. اما در بحث معامله مشکوک، نه موضوعی در برابر مرجع قضایی مطرح شده و نه اینکه هدف انتساب اتهام، وقوع جرم پولشویی. مراجع اداری مکلف به گزارش دهی می‌باشند. اما صرف این گزارش و محتویات آن نمی‌توان فی حد ذاته بر وقوع جرم دلالتی داشته باشند. پس از این مرحله نوبت مراجع قضایی است که در جهت احراز مجرمیت فرد، قدم بردارند. بنابراین نمی‌توان تعارض میان اصل براءت و بحث معامله مشکوک را تصور کرد.

مواد فوق به دو ابزار مهم عالم اثبات یعنی اصل صحت و اماره تصرف می‌پردازد. در این بخش، هر یک از دو ابزار فوق به همراه اصل براءت را بررسی می‌نماییم.

### ۳-۶-۱. اصل براءت

همان‌طور که اشاره شد در اصل ۳۷ قانون اساسی، ماده ۱۲۵۷ قانون مدنی، ماده ۱۹۷ قانون آیین دادرسی مدنی و ماده ۴ قانون آیین دادرسی کیفری اصل را بر براءت گذاشته است. پیامد اجرای اصل فوق در امور کیفری این خواهد بود که بار اثبات تحقق جرم برعهده مدعی آن می‌باشد و متهم از اثبات بیگناهی خود میرا است.

### ۳-۶-۲. اصل صحت

همان‌طور که می‌دانیم علیه بر این است که اداره اکثر افراد جامعه، معامله را به طور صحیح منعقد می‌کنند نه به طور فاسد. این غلبه موجب ظن می‌شود که عقود منعقد صحیح می‌باشد. به این ترتیب هرگاه در صحت عقدی تردید شود. با الحاق مورد مشکوک حکم از لحاظ صحت، به مورد غالب، می‌بایست حکم به صحت آن داد. علاوه بر این، اگر قائل به اعمال اصل صحت نباشیم، در نظم جامعه اخلال ایجاد خواهد شد. این اخلال در دو بعد ثبوت و اثبات جلوه‌گر خواهد شد.

نخست: بعد ثبوت: با عدم اعمال اصل است. هیچگاه افراد، اطمینانی به ایجاد عقد در عالم ثبوت نخواهند داشت.

دوم: بعد اثبات: هرگاه این اصل نبود، مردم در معاملات باید تحصیل دلیل کنند تا اگر طرف معامله دعوی فساد آن را اقامه کند، در دادگاه بی‌دفاع نمانند. بدیهی است تهیه دلیل چقدر دشوار است و چه مشکلاتی را به بار می‌آورد.

لزوم حمل معاملات افراد بر صحت، آن‌قدر برای تضمین امنیت معاملات اهمیت داشته است که مقنن را بر آن دارد که در ماده یک قانون مبارزه با پولشویی و قانون اصلاح آن نیز بر اصل صحت تأکید کند. در ماده ۱ قانون مبارزه با پولشویی مصوب ۱۳۸۶ آمده است: «اصل بر صحت و اصالت معاملات تجاری موضوع ماده ۲ قانون تجارت است، مگر آنکه براساس مفاد این قانون خلاف آن به اثبات برسد. استیلائی اشخاص بر اموال و دارایی اگر توأم با ادعای مالکیت شود، دال بر مالکیت است.»

اما بر این مقررہ سؤالاتی مطرح می‌شود:

- اصالت در نص فوق به چه معنا می‌باشد آیا همان صحت است یا آنکه در مقابل بالنیابه به قرینه بند الف ماده ۷ همان قانون استحصال شده است.

- چرا موضوع ماده تنها محدود به معاملات تجاری ماده ۲ شده است؟ آیا بهتر نبود مقنن اصل را بر صحت کلیه معاملات منظور می‌داشت، به جای آنکه خود را محدود به معاملات تجاری موضوع ماده ۲ قانون تجارت نماید؟ آیا براساس مقررہ مذکور معاملات اموال غیرمنقول، حمل بر صحت نخواهند داشت.

- چرا اثبات عدم صحت معاملات فوق محدود به مفاد قانون مذکور شده است؟ آیا از سایر طرق نمی‌توان عدم صحت معاملات فوق را اثبات کرد؟ بدیهی است که به ظاهر نص فوق نباید چندان اعتماد کرد. مقنن تنها می‌خواسته است که در قانونی که به احتمالی می‌توانسته احساس امنیت تجاری را بر هم زند، تجار و بازرگانان را به حمل معاملاتشان بر صحت مطمئن کند. اما این اطمینان بخشی با دقت کافی همراه نشده است. لذا حاصل آن، مقررہ‌ای شد که در فوق ملاحظه گردید.

با توجه به نکته فوق و فلسفه وضع مقررہ مورد بحث نباید به ظاهر نص آن دل بست بلکه با توجه به قانون مدنی، باید در کلیه معاملات، اصل را بر صحت گذارد و مقررہ مورد بحث تنها تأکیدی بر قانون مدنی تلقی کرد نه آنکه مقنن در مقام تقیید اصل صحت به معاملات تجاری ماده ۲ یاد شده داشت.

### ۳-۶-۳. اماره تصرف

اماره تصرف حاوی ۳ عنصر است: نخست، عنصر مادی: مال در تصرف مادی فرد باشد دوم، عنصر معنوی: متصرف قصد اعمال حق مالکیت را داشته باشد و سوم، عنصر قانونی: تصرف متصرف، مشروع باشد.

ماده ۳۵ قانون مدنی به خاطر ظهور تصرف در مالکیت، تصرف را اماره مالکیت دانسته است، بنابراین با روبرو شدن با متصرف باید وی را مالک دانست.

قسمت اخیر ماده یک قانون مبارزه با پولشویی مقرر می‌دارد «استیلاي اشخاص بر اموال و دارایی اگر توأم با ادعای مالکیت شود، دال بر مالکیت است.»

### نتیجه گیری

چند دهه‌ای است که کشورهای جهان با معضلی به نام پول‌های نامشروع و کثیف و جریان پولشویی یا تبدیل پول نامشروع و ناپاک به پول مشروع و پاک یا تطهیر پول مواجه می‌باشند. معضلی که همچون غده سرطانی بر بافت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جوامع ریشه دوانده و به مرور زمان و با توجه به مقتضیات سیاسی-اقتصادی جهان بزرگ و بزرگتر شده است. بدون شک، عدول از تضمینات دادرسی عادلانه تنها در شرایط ویژه و استثنایی قابل توجیه است. اما اغلب اوقات از این قواعد سرپیچی شده و در شرایط عادی نیز از این قواعد عدول می‌گردد.

در حال حاضر در کشور ما هیچ دادرسی افتراقی وجود ندارد. لکن با توجه به استجازه‌ی صورت گرفته از مقام معظم رهبری از سوی رییس وقت قوه قضائیه در خصوص نحوه رسیدگی و مجازات مفسدان و اخلاالگران در نظام اقتصادی و آیین‌نامه‌ی اجرایی آن که به صورت موقت و دو ساله اعتبار دارد، نوعی دادرسی افتراقی در این زمینه پیش‌بینی شده است. در قانون اصلاح قانون مبارزه با پولشویی مصوب ۱۳۹۷ نیز متأسفانه به محدودیت‌های دادرسی عادلانه پرداخته نشده است.

در تاریخ ۱۳۹۷/۵/۲۰ رییس وقت قوه قضائیه در نامه‌ای به رهبر انقلاب اسلامی، با اشاره به جنگ اقتصادی دشمنان علیه ملت ایران و انسجام برخی جرایم از سوی عده‌ای از اخلاالگران و مفسدان اقتصادی در این شرایط و همسو با اهداف دشمنان، درخواست نمود که اجازه‌ی اقدامات ویژه در برخورد قاطع و سریع در چارچوب قانون مجازات اخلاالگران در نظام اقتصادی کشور و قانون مجازات اسلامی داده شود. در این نامه پیشنهاد شده است که هرگونه تعلیق و تخفیف

مجازات اخلاالگران و مفسدان اقتصادی ممنوع می‌باشد. رهبر انقلاب اسلامی با این پیشنهادات موافقت کردند و تأکید نمودند که مجازات مفسدان اقتصادی سریع و عادلانه انجام شود و در مورد اتقان و دقت دادگاه‌ها، دقت لازم صورت پذیرد.

لازم به توضیح است که قانون مجازات اخلاالگران در نظام اقتصادی کشور در تاریخ ۱۳۶۹/۹/۱۹ تصویب شده است و به بیان مجازات‌های شدید در خصوص اخلاالگران عرصه‌ی اقتصادی کشور می‌پردازد.

افتراقی شدن آیین دادرسی در پولشویی به این موضوع اشاره داشت که در برخی جرایم مهم مثل پولشویی روند تحصیل دلیل برای اثبات مجرمیت از سوی دادستان به کلی تغییر یافته است و اثبات آن متوجه متهم می‌شود و اوست که باید بیگناهی خود را به اثبات برساند. در بحث نحوه‌ی تحصیل دلیل بیان شد که در بزه پولشویی با توجه به سازمان‌یافتگی و فراملی بودن و اثرات سویی که بر ساختار اقتصاد، سیاست و فرهنگ جامعه می‌گذارد، باید طریق تحصیل دلیل در این جرم به صورت افتراقی باشد. شیوه‌های متعارف تحصیل دلیل در بزه پولشویی کارایی لازم را ندارد لذا استفاده از شیوه‌های مهم کشف و اثبات جرائم سازمان یافته در این خصوص راهگشا می‌باشد. شیوه‌هایی همچون استفاده از مخبران، فنون ویژه تحقیق، همکاری بین‌المللی، همکاری مؤسسات، تغییر بار اثبات دلیل، تعدیل اصل رازداری بانکی می‌تواند با توجه به صعوبت و سختی کشف بزه پولشویی به کار گرفته شود که علت توسل به ابزارهای فوق، رویکرد امنیتی در مبارزه با بزه پولشویی است.

با توجه به فرضیه‌های فوق؛ در این تحقیق، تقنین در حوزه تحدیدات دادرسی در جرم پولشویی، فرآیندی بین حقوق ایران و اسناد بین‌المللی است که با بررسی قوانین موجود در این باره و رویکردهای مورد توجه قانونگذاران به نظر می‌رسد نظام تقنینی در حقوق ایران نیز حرکت خود را در این خصوص آغاز لکن به صورت نامتوازن و ناهماهنگ با اسناد بین‌المللی است که لازم است اولاً حداقل استانداردهای لازم برای مبارزه با پولشویی پیش‌بینی شود؛ آن هم با قانونگذاری دقیق که در برگیرنده تمام جزئیات باشد و از تفویض به آیین‌نامه‌های اجرایی اجتناب شود. ثانیاً لازم است با توجه به وضعیت خاص اقتصادی کشور ما که منجر به اخذ استجازه از مقام رهبری شد، به سرعت سازوکار ویژه همراه با قواعد دادرسی در پرتو امنیت‌گرایی در این باره پیش‌بینی و تصویب شود و به جای آن، قانونی کارآمد تصویب تا به صورت ثابت و پایدار با این بزه مبارزه شود.

## منابع

- سلیمی، صادق، ۱۳۸۱، تطهیر پول در اسناد بین‌المللی و لایحه پولشویی، مجله تخصصی فصلنامه آموزه‌های حقوق کیفری، ۶.
- باقرزاده، احد، ۱۳۹۲. جرایم اقتصادی و پولشویی، چاپ دوم، تهران: مجد.
- باقرزاده، احد، ۱۳۸۲. پیامدهای پولشویی و راهبردهای کنترلی با رویکرد به اسناد بین‌المللی. مجموعه سخنرانی‌ها و مقالات همایش بین‌المللی مبارزه با پولشویی، شیراز، ستاد مبارزه با مواد مخدر، ۷-۸ خرداد.
- شاملو، باقر، مرادی، مجید، ۱۳۹۲، تحدید تضمینات دادرسی عادلانه در پرتو امنیت‌گرایی در جرم پولشویی. مجله حقوقی دادگستری، ۸۱.
- خزانی، منوچهر، ۱۳۷۶، به دنبال اصول راهبردی مشترک آیین‌های دادرسی کیفری مختلف اروپایی، مجله حقوقی بین‌المللی، ۷۳ الی ۹۶.
- غنی‌لو، رضا، بخشنده، محمد، مرادی، آرش، امیری، سلمان، محمودی، مهدی، بررسی تأثیر و محدودیت‌های بکارگیری منابع و مخبرین در مأموریت‌های پلیس آگاهی قزوین در سال ۱۳۹۴، ۱۳۹۶، فصلنامه کارآگاه (پیاپی ۳۹)، ۱۹ الی ۳۸.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ۱۳۹۸. ترمینولوژی حقوق، چاپ سی و یکم، تهران: گنج دانش.
- اسعدی، حسن، ۱۳۸۸، نقش فرآیند پولشویی و مصادره اموال در روند قاچاق مواد مخدر. مجموعه سخنرانی‌ها و مقالات همایش بین‌المللی مبارزه با پولشویی، شیراز، ستاد مبارزه با مواد مخدر، ۷-۸ خرداد.
- رحمدل، منصور، ۱۳۸۵، مال و عوائد حاصله از جرم و معکوس شدن بار اثبات. فصلنامه دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۷۲.